دینداری و حقوق بشر؛ بررسی مقایسه‌ای رابطه دینداری و تمایل به حقوق بشر در میان زنان و مردان

مجید موحد
دانشیار و عضو هیئت علمی بخش جامعه شناسی دانشگاه شیراز
مریم حسینی
دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه شیراز، عضو پژوهشی جهاد دانشگاهی استان فارس

چکیده

در عصر حاضر مسئله حقوق بشر و مناسبت آن با آموزه‌های دینی از مباحث مناقشه برانگیز در میان‌اندیشمندان است. هدف اصلی این پژوهش بررسی میزان تمایلات طبقه تحصیل کرده شهری (زن و مرد) نسبت به حقوق بشر از یکسو و بررسی نسبت دینداری پاسخگویان با تمایل آنان به حقوق بشر با تأکید بر مقایسه میان زنان و مردان، از سوی دیگر می‌باشد. یافته‌های این پژوهش که به روش کمی (پیمایش) بر روی ۲۱۴ نفر از زنان و مردان ساکن شیراز انجام گرفته است، ضمن نشان دادن تمایل زیاد پاسخگویان به حقوق بشر، بر تمایل بیشتر زنان نسبت به حقوق بشر در مقایسه با مردان تأکید می‌نماید. مشاهده تفاوت میان جنسیت پاسخگویان و نوع راه حل پیشنهادی آنان جهت افزایش حقوق بشر و تأکید بیشتر زنان نسبت به قانون‌گرایی از یکسو و تفاوت معنی‌دار میان تمایل به ارزش‌های اسلامی و تمایل به حقوق بشر در میان پاسخگویان از سوی دیگر از مهمترین نتایج این مطالعه است.

واژگان کلیدی: حقوق بشر؛ دینداری؛ جنسیت؛ ارزش‌های اسلامی.

مقدمه

یکی از مفاهیمی که امروزه در زندگی انسان‌ها جایگاه والایی دارد، مفهوم حقوق بشر[1] است که در آن ساده‌ترین حقوق اولیه انسان‌ها در زندگی اجتماعی مطرح شده است و در برگیرنده حق حیات، آزادی و همه عناصر لازم برای یک زندگی انسانی می‌باشد (مصفا و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲۶۰). اگرچه در فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف از حقوق بشر تعاریف متفاوتی ارائه گردیده، اما آنچه امروزه تحت عنوان حقوق بشر در سطح جهانی مطرح می‌شود، معمولاً متکی بر تعاریف دنیای

غرب و سازمان ملل متحد از این مفهوم می‌باشد.

در ساده‌ترین تعـریف از حقوق بشر، این نکته مورد توجه قرار گرفته که «حقوق بشر، حقوقی است کـه متعـلق به هر فـرد می‌باشد به دلیـل اینکه انسان است و مبنای اساسی آن برابری انسان‌ها می‌باشد» (بو، ۱۹۹۸، ج ۲۰: ۱۳۷). این موازین حقوقی به طور گسترده‌ای به عنوان هنجارهای بین‌المللی پذیرفته شده و برای تعالی و رشد انسان‌ها به طور اساسی تعریف شده‌اند (مصفا و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲۶۰) و بیشتر کشورها بسیاری از این حقوق را در قانوان اساسی، قوانین یا رویه‌های قضایی (حقوقی) خود مورد شناسایی قرار داده‌اند (دانلی، ۱۳۸۰: ۷۴). علمای علـوم اجتماعی منشاء این مفهـوم را در مباحـث قانون طبیعـی فلسفـه رواقیون در روم و یونان جست‌وجو می‌کنند. تومـاس هـابز (۱۶۷۹-۱۵۸۸) در تأکـیـدی که بر دولت طبیعـی و ماهیت طبیعـی انسان‌هـا دارد، بر برابری همـه انسان‌هـا در آن نیز تأکید می‌نماید. متفکرینی چون اسپینوزا (۱۶۷۷-۱۶۳۲) متأثر از هابز، معتقد است که دموکراسی طبیعی‌ترین نوع دولت است که منطبق با آزادی انسان‌ها است. جان لاک (۱۷۰۴-۱۶۳۲) از مهم‌ترین نظریه‌پردازان قانون طبیعی در قرون جدید در حقوق طبیعی بر سه مفهوم زندگی، آزادی و مشارکت تأکید می‌نماید (پلاتنر، ۱۹۹۵، ج ۲: ۵۷۸-۵۷۳).

در مجموع، مبارزات فکری اندیشمندان در عصر روشنگری و دوره رنسانس تأثیر زیادی بر مطرح شدن حقوق طبیعی داشت. شکل‌گیری تغییرات اساسی در اعتقادات و اعمال جوامع، رنسانس، انقلاب‌های بزرگ در فرانسـه و آمریکـا، سقوط فئودالیسم و مقاومت در برابر استبداد دینی کلیسا، از جمله عواملی بودند که موجبات ظـهـور مفاهیم آزادی و برابری که امروزه از عناصر اساسی حقوق بشر می باشند را فراهم آوردند (بو، ۱۹۹۸، ج ۲۰ :۶۶۴-۶۵۶). واژه حقوق بشر در اعلامیه جنگ‌های استقلال آمریکا (۱۷۷۶) مطرح شد و قانون اساسی آمریکا آن را به صورت قانون رسمی تضمین نمود. در جریان انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۲) نیز مفهوم حقوق شهروندی مطرح شد (سابرامانین، ۱۹۹۷: ۳).

آنچه امروزه رسماً به عنوان مفهوم حقوق بشر مطرح است، واژه نسبتاً جدیدی است که درسال ۱۹۴۵ توسط سازمان ملل متحد مطرح و جایگزین واژه حقوق طبیعی شده است. از تاریخ صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط سازمان ملل متحد این مفهوم جایگاهی والا در اذهان عمومی جهانیان به خود اختصاص داده است. سازمان ملل متحد با تشکیل کمیسیونی جهت نظارت بر اعمال کشورهای مختلف در رعایت یا نقض حقوق بشر توجه دولت‌ها را نیز جلب نموده است. علاوه بر این سازمان‌های غیردولتی

وخصوصی در جهت پیشرفت و گسترش حقوق بشر ایجاد شده که از شناخته‌شده‌ترین این سازمان‌های بین‌المللی، *Amnesty International* است که در سال ۱۹۶۱ ایجاد شده و در جهت آزادی بیان، مذهب و حقوق مخالفین سیاسی فعالیت می‌کند (وات، ۱۹۸۸: ۱۱۱).

در عصر حاضر مسئله حقوق بشر و مناسبت آن با آموزه‌های دینی از مباحث مناقشه برانگیز در میان‌اندیشمندان است. یکی از مباحثی که در باب رابطه حقوق بشر و طرز تلقی مسلمانان از آن در دهه‌های آخر قرن بیستم مطرح گردیده، قضیه کتاب «آیات شیطانی» نوشته سلمان رشدی رمان نویس هندی- انگلیسی است که در آن مقدسات اسلامی مورد اهانت قرار گرفته بود و فتوای ارتداد سلمان رشدی از سوی امام خمینی (ره) را در پی داشت. این مسئله تعارض بنیادین تلقی رایج در غرب نسبت به حقوق بشر با برداشت مسلمانان از حقوق بشر به خصوص آزادی بیان را بیش از پیش نمایان نمود و این سئوال را مطرح کرد که علت این تفاوت و تعارض در چیست؟ از مبانی مهم اعلامیه حقوق بشر مقابله با استبداد دینی کلیسا بود و همین بنیان سکولاریستی اعلامیه حقوق بشر است که امروزه تمام حکومت‌های مدعی دینی بودن را به چالش می‌خواند. در مقابل ادیان مختلف با توجه به دیدگاهی که نسبت به انسان دارند، حقوق بشر را به اشکال متفاوت با اعلامیه سازمان ملل تعریف می‌کنند. حکومت‌های دینی مبتنی بر ادیان نیز از این تعاریف پیروی کرده و تعریف واحد و جهانی حقوق بشر از سوی سازمان ملل را مورد نقد قرار داده و آن‌را مبتنی بر جهان بینی غرب نسبت به انسان ارزیابی می‌نمایند. در نیمه دوم قرن بیستم با ظهور جنبش‌های فراگیر رستاخیز دینی به ویژه اسلامی و ایجاد کشورهایی که دارای دولت دینی بودند، به خصوص در کشورهای مسلمان، چالش میان مسلمانان و مفاهیم جهانی حقوق بشر عیان گردید.

برخلاف آنچه که غرب معتقد است که مفهوم حقوق بشر همراه با حکومت دموکراسی جدید در دوران معاصر مطرح شده است (پلاتنر، ۱۹۹۵، ج۲: ۵۷۳). مسلمانان معتقدند که پیش از ظهور لیبرال دموکراسی مدرن ایده حقوق بشر به صورت واضح و صریح در قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص) ارائه شده است و این مفهوم به شکل ماهرانه‌ای توسط فقهای مسلمان در شکل دقیقاً علمی تحت دو عنوان حقوق خداوند و حقوق انسان‌ها مطرح شده است. حقوق انسان‌ها شامل بحث‌های متفاوتی است از جمله حقوق غیرمسلمانانی که در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند و حق آزادی بیان و ابراز عقیده برای هر انسان (وات، ۱۹۸۸: ۱۱۱). در همین رابطه، اقبال و اقبال[۲] (۱۹۸۲: ۲۰) نشان می‌دهند که در دوران خلافت خلفای راشدین چگونه حقوق دینی، اجتماعی و اقتصادی غیر

مسلمـانانی کـه در مناطـق تحت سلطـه حکومت اسلامی به سـر می‌بردند، حفظ می‌گردید. اسپوزیتو و وال[۳] (۱۹۹۶:۷) معـتقـدند کـه در بیـن تمـام جهـان‌بیـنی‌هـا و سنت‌هـای دینی، اسـلام طـیف کامـلی از مفاهیم و سمبل‌های بالقوه جهت حمایت از ایجاد آزادی و برابری دارد.

تلاش‌های زیادی از سوی اندیشمندان مسلمان برای نشان دادن موارد گوناگون حقوق بشر در تعالیم اسلامی صورت گرفته است، چنانچه احمد شوقی الفنجری (۱۹۷۳) معتقد است آنچه در اروپا «آزادی» نامیده می‌شود، در دین ما عدل، شورا، حق و مساوات نامیده شده است و با استناد به آیه قرآنی «من قتل نفسا بغیر نفس او فسادٍ فی الارض فکانّما قتل الناس جمیعاً و من احیاها فکانّما احیا الناس جمیعاً»: هرکه کسی را جز به قصاص یا فسادی که در زمین کرده بکشد، چنان است که همه مردم را کشته باشد و هرکه کسی را زنده بدارد، چنان است که همه مردم را زنده داشته باشد. (مائده: ۳۲)، معتقد است که حرمت حیات انسانی به عنوان بنیادی‌ترین اصل جوامع متمدن در تعالیم قرآن موجود است. در عین حال معتقد است که قوی‌ترین پشتوانه برای ایجاد سه حق اساسی، حیات، مالکیت و آزادی انسان‌ها را می‌توان از این گفته پیامبر اسلام (ص) «المسلم، کل المسلم علی المسلم حرام دمه و ماله و عرضه»: سه چیز از هر مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است: جانش، مالش و آبرویش، استنباط نمود (عنایت، ۱۳۶۷: ۲۳۰). در همین راستا مسلمانان معتقدند مساوات در اسلام و نفی همه معیارهای نژادی، قومی و ارثی در اسلام از جمله مواردی است که حافظ و حامی حقوق انسان‌ها در زندگی اجتماعی بوده و در عین حال از اصول اساسی در حقوق بشر است (عنایت، ۱۳۶۷: ۲۲۳-۲۲۰).

ممتاز احمد، به چند نکته اساسی در ارتباط با نگرش اسلام نسبت به حقوق بشر اشاره دارد. به تعبیر وی حق و تکلیف در اسلام متقابل است و مفهوم حقوق افراد در معنای رایج غربی با آنچه که در اسلام به منزله وظایف و تکالیف افراد یاد شده است، متفاوت می‌باشد. احمد معتقد است مفاهیم حقوقی در اسلام بیش از آنکه بر جنبه فردی تأکید کند، بر ابعاد اجتماعی مفاهیم حقوقی تأکید می‌کند و حقوق اقتصادی ـ اجتماعی در دیدگاه اسلامی گسترده‌تر از این مفاهیم در لیبرالیسم غربی است. ممتاز احمد در ارتباط با عملکرد رژیم‌هایی که با توسل به اسلام از حقوق بشر در جوامع مسلمان سوء استفاده می‌کنند، معتقد است که اسلام نه تنها توجیه‌کننده این‌گونه سوء استفاده‌ها در باب پایمال نمودن حقوق افراد نیست، بلکه آن‌را نیز محکوم می‌کند (سیسک، ۱۳۷۹: ۵۳-۴۶).

کشورهای مسلمان نیز تلاش کرده‌اند که در قوانین اساسی و حقوق کشورهای خود به

صورت عملی این تعالیم اسلام را به کار ببرند. چنانچه سینگ (۱۹۹۸: ۳۰-۲۹) بر اساس اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلام ایران نتیجه می‌گیرد، رعایت حقوق بشر با توجه به موازین و استانداردهای اسلامی در کشورهای مسلمان جایگاهی خاص دارد. بر اساس اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۸، همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق بشر، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند. علاوه بر این، تمام اصول فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی که تحت عنوان حقوق ملت است نشان‌دهنده اصول حقوق بشر با توجه به موازین اسلامی است.

اما منتقدان بر این عقیده‌اند که تاریخ اسلام پس از خلفای راشدین نشان می‌دهد که در کشورهای مسلمان این موازین موجود در تعالیم اسلام در عمل اجرا نشده است و مسلمانان از نظر تاریخی تنها می‌توانند به صدر اسلام استناد نمایند، در عین حال معتقدند که تصویب قوانین رعایت حقوق بشر حتی در شکل اسلامی آن نیز نتوانسته در حیطه عمل به اجرا درآید.

هدف و فرضیات تحقیق

هدف اصلی این پژوهش فارغ از دغدغه‌های نظری و فلسفی، بررسی نسبت دینداری پاسخگویان با تمایلات آنان نسبت به حقوق بشر در جامعه ایران است. به عبارت دیگر این مطالعه به دنبال آن است که میزان تمایل به حقوق بشر در میان ایرانیان چقدر است؟ آیا این تمایل به حقوق بشر با دینداری آنان رابطه‌ای دارد یا خیر؟ جهت پاسخگویی به سئوالات فوق فرضیات تحقیق به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱. به نظر می‌رسد تفاوت معنی‌داری میان تمایل به حقوق بشر بر حسب جنسیت پاسخگویان وجود دارد؛

۲. به نظر می‌رسد تفاوت معنی‌داری میان راهکارهای پیشنهادی جهت افزایش حقوق بشر و جنسیت وجود دارد؛

۳. به نظر می‌رسد رابطه معنی‌داری میان تمایل به حقوق بشر و راهکارهای پیشنهادی جهت افزایش حقوق بشر وجود دارد.

۴. به نظر می‌رسد رابطه معنی‌دار میان دینداری و تمایل به حقوق بشر در میان پاسخگویان وجود دارد.

روش تحقیق

جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه: در پژوهش حاضر از روش کمی و تکنیک پیمایش استفاده شده است. در این راستا، داده‌ها به وسیله پرسشنامه جمع‌آوری شدند. جامعه آماری این پژوهش، افراد تحصیل‌کرده طبقه متوسط شهری ساکن در شهر شیراز می‌باشد. حجم نمونه با سطح معناداری ۹۵ درصد و خطای ۵ درصد برابر با ۲۱۴ نفر برآورد گردید. شایان ذکر است نمونه مورد نظر، از سه گروه شغلی اساتید دانشگاه، پزشکان و مدیران اجرایی انتخاب شده‌اند. علت انتخاب این افراد نیز آن است که بر اساس بسیاری از مطالعات سیاسی ـ اجتماعی که در کشورهای مسلمان انجام شده است این مشاغل از جمله مشاغلی است که افراد شاغل در آن جزء طبقه متوسط تحصیل‌کرده شهری به حساب می‌آیند و از گروه‌هایی هستند که حامی تغییرات اجتماعی و در عین حال حمایت کننده جنبش‌های اسلام‌گرا در کشورهای مسلمان محسوب می‌گردند. نمونه‌گیری این تحقیق، بر اساس روش سهمیه‌ای تصادفی انجام گرفت. اطلاعات به دست آمده با استفاده از تکنیک‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

شیوه سنجش متغیرها: متغیرهای اساسی در این مطالعه، عبارتند از میزان تمایل به حقوق بشر و تمایلات و تقیدات مذهبی که از آن به عنوان دینداری یاد می‌شود. برای سنجش میزان تمایلات پاسخگویان به حقوق بشر از شاخص‌هایی مانند آزادی بیان و مطبوعات، برابری حقوق اجتماعی، حق برخورداری از تأمین اجتماعی، شغل مناسب و امکانات آموزشی، مبتنی بر اصول شماره ۲۰، ۲۴، ۲۵، ۲۸و۲۹ ، فصل سوم قانون اساسی که تحت عنوان حقوق ملت می‌باشد، استفاده شده است. تعریف دین و تعریف عملیاتی دینداری از جمله موضوعات بحث برانگیز و پردامنه به ویژه در میان جامعه‌شناسان بوده است. تا آنجا که برخی صاحب نظران تلاش برای تعریف و مفهوم‌سازی دین را بی‌ثمر و غیرضروری دانسته‌اند (تامپسون، ۱۳۸۱: ۲۸). به طور کلی تعاریف ارائه شده از دین، در دو دسته تعاریف کارکردگرا و ذاتی قرار می‌گیرند. تعاریف کارکردگرا، دین را به عنوان پدیده‌ای با کارکردهای اجتماعی نظیر همبستگی و انسجام اجتماعی و یا دربردارنده نظام معنایی فراگیر در نظر می‌گیرند و تعاریف ذاتی یا جوهری دین را به همان ترتیبی که مردم عادی آن‌را می‌فهمند نگاه می‌کنند (تامپسون، ۱۳۸۱: ۳۴). در این مطالعه جهت سنجش دینداری افراد از شاخص‌هایی مانند تقید افراد به فرایض دینی مانند نماز، روزه، نماز جماعت، تمایل به شرکت (حضور) در مسجد و پرداخت خمس و تمایل به حضور در مراسم حج، تمایل به حجاب اسلامی و تمایل به ارزش‌های دینی استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی: جدول شماره یک توزیع فراوانی و درصد شغل پاسخگویان را بر اساس جنسیت نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود ۳۴/۱ درصد پاسخگویان زن و ۶۵/۹ درصد مرد می‌باشند. ۳۱/۳ درصد پاسخگویان شامل اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز، ۲۹ درصد پاسخگویان را پزشکان (شامل پزشکان عمومی و متخصص) و بیشترین درصد (۳۹/۷) شامل مدیران اجرائی می‌باشد که با توجه به وسعت نظام اداری و بوروکراسی موجود در ایران قابل توضیح می‌باشد.

علاوه بر موارد فوق نتایج جدول حاکی ازحضور فعال زنان در عرصه فعالیت‌های دانشگاهی و طبابت می‌باشد که در این بخش‌ها حضور زنان بیش از حد مورد انتظار می‌باشد. بیشترین درصد را زنان اساتید دانشگاه به خود اختصاص داده و کمترین درصد متعلق به سهم زنان در بخش مدیریت اجرائی می‌باشد. این اختلاف بیانگر این واقعیت است که هنوز در جامعه ایران موانعی بر سر راه حضور زنان در بخش‌های مدیریتی وجود دارد.

جدول شماره (۱)- توزیع فراوانی و درصد شغل پاسخگویان بر حسب جنسیت

نوع شغل	جنسیت		کل پاسخگویان
	زن	مرد	
استاد دانشگاه	۳۰ ٪۴۱/۱	۳۷ ٪۲۶/۲	۶۷ ٪۳۱/۳
مدیر اجرائی	۱۶ ٪۲۱/۹	۶۹ ٪۴۸/۹	۸۵ ٪۳۹/۷
پزشک	۲۷ ٪۳۷	۳۵ ٪۲۴/۸	۶۲ ٪۲۹
جمع	۷۳ ٪۱۰۰	۱۴۱ ٪۱۰۰	۲۱۴ ٪۱۰۰

قابل ذکر است که میانگین سنی کل نمونه مورد نظر ۴۰ سال می‌باشد. میانگین سن برای زنان ۳۷ سال و برای مردان ۴۲ سال است. همچنین حداکثر سن پاسخگویان ۶۸ سال وحداقل آن ۲۵ سال است. میانگین سطح سواد پاسخگویان فوق لیسانس است که حداکثر سواد دکترای تخصصی و حداقل آن دیپلم دبیرستان می‌باشد. میانگین درآمد آنها حدود ۴۸۰ هزارتومان در ماه می‌باشد. ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی فوق بیانگر این است که پاسخگویان نمونه گویایی از طبقه متوسط شهری تحصیل‌کرده در ایران می‌باشند.

یکی از متغیرهای اساسی مورد بررسی در این پژوهش میزان تمایل پاسخگویان به شاخص‌های حقوق بشر است که با شش سؤال مورد سنجش قرار گرفته است. در جدول شماره (۲) توزیع فراوانی و درصد تمایل پاسخگویان به شاخص‌های حقوق بشر به نمایش گذاشته شده است. همانطور که مشاهده می‌شود اولین بخش از جدول مربوط به ثروت افراد و حقوق اجتماعی آنان است که با این شاخص «هر چه فرد ثروتمندتر باشد، دارای حقوق اجتماعی بیشتر است»، مورد بررسی قرار گرفته است. بیشترین درصد (۶۷/۸) متعلق به افرادی است که مخالف افزایش حقوق اجتماعی بر مبنای ثروت افراد می باشند، ۲۳/۴ درصد موافق این نظر بوده و ۸/۹ درصد هم نظر خاصی نسبت به این موضوع نداشتند. بخش دوم از جدول شماره (۲) تمایل پاسخگویان نسبت به ایجاد تأمین اجتماعی مانند بیمه و بازنشستگی و ... را به عنوان وظایف حکومت نشان می‌دهد. ۹۷/۲ درصد پاسخگویان موافق، کمتر از یک درصد (۹/٪) مخالف و ۱/۹ درصد نسبت به این موضوع بی‌تفاوت می‌باشند. ضرورت وجود سانسور و نظارت حکومت بر مطبوعات سومین شاخص اندازه‌گیری تمایل افراد به حقوق بشر است. بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۸/۹ درصد) مخالف سانسور و نظارت حکومت بر مطبوعات می‌باشند، در مقابل ۲۸ درصد موافق وجود سانسور و ۱۳/۱ درصد نظر خاصی نسبت به سانسور و یا نظارت حکومت بر مطبوعات ندارند. آزادی بیان و دارا بودن حق انتقاد از حکومت شاخص دیگری است که در این مطالعه جهت سنجش تمایل به حقوق بشر به کار گرفته شده است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، ۹۳/۹ درصد از پاسخگویان با آن موافق و آن‌را امری ضروری جهت توسعه و پیشرفت جامعه می‌دانند. تنها ۲/۳ درصد از پاسخگویان مخالف آزادی بیان و ۳/۷ درصد بی‌تفاوت می‌باشند. پنجمین بخش از حقوق بشر در این مطالعه «ایجاد امکانات آموزش همگانی به عنوان یک وظیفه حکومت» است، یافته‌های تحقق نشان می‌دهد که ۹۱/۱ درصد از پاسخگویان موافق، ۶/۵ درصد

مخالف و ۲/۳ درصد نظری نسبت به این امر نداشته‌اند. آخرین شاخص به کارگرفته شده «ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای افراد جامعه توسط حکومت» می‌باشد،۹۱/۱ درصد از پاسخگویان موافق این موضوع بوده و بر حق داشتن شغل مناسب برای افراد جامعه تأکید دارند، ۵/۱ درصد مخالف و ۳/۷ درصد بی‌تفاوت می‌باشند.

جدول شماره (۲)- توزیع فراوانی و درصد میزان و نوع تمایل پاسخگویان به شاخص‌های شش گانه حقوق بشر

شاخص‌های سنجش حقوق بشر	موافق	بی تفاوت	مخالف	جمع
هر چه فرد ثروتمندتر باشد دارای حقوق اجتماعی بیشتری است	۵۰ ٪۲۳/۴	۱۹ ٪۸/۹	۱۴۵ ٪۶۷/۸	۲۱۴ ٪۱۰۰
ایجاد تأمین اجتماعی از وظایف ضروری هر حکومتی برای تمام افراد جامعه است.	۲۰۸ ٪۹۷/۲	۴ ٪ ۱/۹	۲ ٪۰/۹	۲۱۴ ٪۱۰۰
ضرورت وجود سانسور و نظارت حکومت بر مطبوعات	۶۰ ٪۲۸	۲۸ ٪۱۳/۱	۱۲۶ ٪۵۸/۹	۲۱۴ ٪۱۰۰
آزادی بیان و دارا بودن حق انتقاد از حکومت	۲۰۱ ٪۹۳/۹	۸ ٪۳/۷	۵ ٪۲/۳	۲۱۴ ٪۱۰۰
ایجاد امکانات آموزش همگانی از وظایف هر حکومتی است.	۱۹۵ ٪۹۱/۱	۵ ٪۲/۳	۱۴ ٪۶/۵	۲۱۴ ٪۱۰۰
ایجاد شغل برای تمام افراد جامعه به‌عنوان یکی از وظایف اصلی هر حکومتی است.	۱۹۵ ٪۹۱/۱	۸ ٪۳/۷	۱۱ ٪۵/۱	۲۱۴ ٪۱۰۰

با نگاهی دقیق‌تر به جدول فوق می‌توان دریافت که حق آزادی بیان، دارا بودن تأمین اجتماعی و شغل مناسب بیشترین موافقت پاسخگویان را به خود اختصاص داده است.

یافته‌های تبیینی: میزان تمایل به حقوق بشر(متغیر وابسته) که از ترکیب شش شاخص ارائه شده به دست آمده و به سه سطح بالا، متوسط و پایین تقسیم شده است و در جدول شماره (۳) توزیع فراوانی و درصد آن بر حسب جنسیت ارائه شده است.

جدول شماره (۳)- توزیع فراوانی و درصد میزان تمایل پاسخگویان به حقوق بشر بر حسب جنسیت

جنسیت	میزان تمایل به حقوق بشر			
	کم	متوسط	زیاد	جمع
زن	٪۲۱/۹	٪۵/۵	٪۷۲/۶	٪۱۰۰
مرد	٪۳۱/۹	٪۸/۵	٪۵۹/۶	٪۱۰۰

X^2=۶/۵۵ df= ۲ Sig= ۰/۰۴۸

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که ۷۲/۶ درصد از زنان تمایل زیادی به حقوق بشر نشان می‌دهند، ۲۱/۹ درصد از آنان تمایل کم و ۵/۵ درصد هم تمایل متوسط به حقوق بشر دارند. در مورد مردان نیز ملاحظه می‌شود که ۵۹/۶ درصد از پاسخگویان تمایل زیاد، ۳۱/۹ درصد تمایل کم و ۸/۵ درصد هم تمایل متوسط به حقوق بشر دارند. با نگاهی دقیق‌تر به نتایج جدول، مشاهده می‌شود که درصد زنان پاسخگو که تمایل زیاد به حقوق بشر دارند، بیشتر از مردان است. میزان X^2 =۶/۵۵ و Sig=۰/۰۴۸ نیز نشان می دهد که تفاوت مشاهده شده در بین زنان و مردان پاسخگو در میزان تمایل آنان به حقوق بشر از جهات آماری معنی‌دار می‌باشد و فرضیه شماره ۱ این پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

راهکارهای مؤثر بر افزایش حقوق بشر در ابعاد اجتماعی آن برای شهروندان متغیر دیگری است که در این بررسی مورد مطالعه قرار گرفته است و نظرات پاسخگویان در چهار بخش دسته‌بندی شده و در جدول شماره (۴) ارائه شده است.

جدول (۴)- توزیع فراوانی و درصد راه حل‌های پیشنهادی پاسخگویان جهت افزایش حقوق بشر -اجتماعی بر حسب جنسیت

میزان تمایل به حقوق بشر	جنسیت		کل پاسخگویان
	زن	مرد	
افزایش سطح سواد و آگاهی در تمام زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی	۱۸ ٪۲۴/۴	۵۴ ٪۳۸/۵	۷۲ ٪۳۳/۶
افزایش آزادی‌های سیاسی و اجتماعی	۹ ٪۱۲/۲	۱۱ ٪۷/۷	۲۰ ٪۹/۲
افزایش آگاهی افراد نسبت به حقوق اجتماعی‌اشان و رعایت قانون در جامعه	۲۷ ٪۳۶/۶	۴۷ ٪۳۳/۳	۷۴ ٪۳۴/۵
افزایش مشارکت عملی و واقعی مردم در اداره جامعه	۱۹ ٪۲۶/۸	۲۹ ٪۲۰/۵	۴۸ ٪۲۲/۷
جمع	۷۳ ٪۳۴/۱	۱۴۱ ٪۶۵/۹	۲۱۴ ٪۱۰۰

X^2=۲/۷۲۸ df= ۳ Sig=۰/۴۳۶

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، بیشترین درصد پاسخگویان(۳۴/۵) معتقدند که افزایش آگاهی افراد نسبت به حقوق اجتماعی و رعایت قانون در جامعه می‌تواند در افزایش تمایل به حقوق بشر مؤثر واقع شود. درصد قابل توجهی از پاسخگویان (۳۳/۶ درصد) بر افزایش سطح سواد و آگاهی در تمام زمینه‌های اجتماعی تأکید دارند و ۲۲/۷ درصد پاسخگویان بر این عقیده هستند که افزایش مشارکت عملی و واقعی مردم در اداره جامعه مهمترین عامل در افزایش حقوق بشر شهروندان می‌باشد و تنها ۹/۲ درصد از پاسخگویان بر افزایش آزادی‌های سیاسی ـ اجتماعی تأکید نموده‌اند. با توجه به اینکه Sig = ۰/۴۳۶ است، از جهات آماری تفاوت معنی‌داری میان زنان و مردان پاسخگو در ارائه راهکارهای پیشنهادی جهت افزایش حقوق بشر مشاهده نمی‌شود و فرضیه شماره ۲ این پژوهش مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

میزان تقید، پایبندی و التزام عملی به انجام فرایض و میزان تمایل به ارزش‌های اسلامی، به خصوص حجاب اسلامی به عنوان یک نماد اسلامی، شاخص‌های مورد سنجش جهت دینداری پاسخگویان در نظر گرفته شده است. جدول شماره (۵) توزیع فراوانی و درصد میزان تمایل و تقید دینی پاسخگویان را بر حسب جنسیت نشان می‌دهد. چنانچه مشاهده می‌شود ۵۸/۴ درصد پاسخگویان تمایل زیادی به حجاب اسلامی دارند و ۴۶/۳ درصد آنها کاملاً مقید به انجام فرایض دینی بوده و ۹۱/۱ درصد پاسخگویان تمایل زیادی به ارزش‌های اسلامی نشان داده‌اند. همچنین ۳۳/۲ درصد پاسخگویان در حد متوسط تمایل به حجاب اسلامی دارند و ۴۰/۲ درصد آنان در حد متوسط مقید به اجرای فرایض دینی می‌باشند. تنها ۷/۵ درصد از نمونه مورد مطالعه، در حد متوسط تمایل به ارزش‌های اسلامی دارند.

جدول شماره (۵)- توزیع فراوانی درصد میزان تمایل و تقید دینی پاسخگویان بر حسب جنسیت

جنسیت	میزان تمایل به حجاب اسلامی			میزان تمایل به ارزش‌های اسلامی			میزان تقید به فرایض اسلامی			جمع
	زیاد	متوسط	کم	زیاد	متوسط	کم	زیاد	متوسط	کم	
زن	۴۳ ٪۵۸/۹	۲۷ ٪۳۷	۳ ٪۴/۱	۶۸ ۹۳/۲	۳ ٪۴/۱	۲ ٪۲/۷	۲۶ ٪۳۵/۶	۴۰ ٪۵۴/۸	۷ ٪۹/۶	۷۳ ٪۳۴/۱
مرد	۸۲ ٪۵۸/۲	۴۴ ٪۳۱/۲	۱۵ ٪۱۰/۶	۱۲۷ ٪۹۰/۱	۱۳ ٪۹/۲	۱ ٪۷	۷۳ ٪۵۱/۸	۴۶ ٪۳۲/۶	۲۲ ٪۱۵/۶	۱۴۱ ٪۶۵/۹
جمع	۱۲۵ ٪۵۸/۴	۷۱ ٪۳۳/۲	۱۸ ٪۸/۴	۱۹۵ ٪۹۱/۱	۱۶ ٪۷/۵	۳ ٪۱/۴	۹۹ ٪۴۶/۳	۸۶ ٪۴۰/۲	۲۹ ٪۱۳/۶	۲۱۴ ٪۱۰۰
	df=۲ Sig=/۲۳۱ X^2=۲/۹۲			۴۵ df=۲ Sig=/۲۰۸			df=۲ Sig=/۰۷ X^2=۹/۸۸			

با توجه به نتایج حاصل از جدول شماره (۵) می‌توان گفت که تمایل به ارزش‌های اسلامی و پس از آن تمایل به حجاب اسلامی در میان نمونه مورد بررسی بیش از میزان تقید آنان به انجام فرایض دینی است؛ زیرا تنها ۱/۴ درصد از پاسخگویان تمایل به ارزش‌های دینی نشان نمی‌دهند و ۸/۴ درصد آنان معتقد به حجاب اسلامی نیستند، در حالیکه ۱۳/۶ درصد از پاسخگویان بیان

کرده‌اند که مقید به انجام فرایض دینی نیستند. در ارتباط با تفاوت موجود باید به تفاوت میان نظر و عمل توجه داشته، زیرا تمایل به ارزش‌های دینی و حجاب اسلامی در بعد نظری قرار دارند. اما تقید به انجام فرایض دینی در بعد عملی مطرح می‌شود و بالطبع عمل به آنچه که افراد به آن معتقدند می‌تواند کمتر از تمایلات ظاهری آنان باشد، در عین حال می‌تواند به ریشه‌دار بودن ارزش‌ها و حجاب اسلامی در فرهنگ ایرانی مربوط باشد.

یافته‌های جدول همچنین نشان می‌دهد که تمایل زنان به حجاب اسلامی و ارزش‌های اسلامی بیش از مردان است؛ زیرا درصد زنانی که در سطح کم قرار دارند (۴/۱ و ۲/۷ درصد) بسیار کمتر از مردان در همین سطح می‌باشد (۱۰/۶ و ۷ درصد). در بخش پایبندی به فرایض دینی زنان در سطح متوسط (۵۴/۶درصد) بسیار بیشتر از مردان (۳۲/۶ درصد) می‌باشند. اما درصد مردان در سطح زیاد و در سطح کم (۵۱/۸، ۱۵/۶ درصد) بیشتر از درصد زنان است. اما در مجموع یافته‌ها نشان می‌دهند که متغیرهای موجود در جدول شماره (۵) از لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری میان زنان و مردان پاسخگو مشاهده نشده است.

بین میزان تمایل پاسخگویان به حقوق بشر با راه حل‌های پیشنهادی آنان جهت افزایش حقوق بشر رابطه معنی‌داری وجود دارد که در جدول شماره (۶) به نمایش گذاشته شده است. همانگونه که مشاهده می‌شود افرادی که تمایل زیاد به حقوق بشر نشان داده‌اند بیشتر بر افزایش آگاهی افراد جامعه نسبت به حقوق اجتماعی‌شان و قانون‌گرایی در جامعه به عنوان راه حل پیشنهادی جهت افزایش حقوق بشر شهروندان تأکید دارند. در مقابل بیشترین تأکید افرادی که تمایل کم به حقوق بشر داشته‌اند بر افزایش سطح سواد و آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی شهروندان به عنوان عامل افزایش حقوق بشر است. یافته‌های موجود در جدول همچنین نشان می‌دهند که افراد با تمایل متوسط بر حقوق بشر بر افزایش مشارکت همه جانبه مردم در اداره جامعه تأکید دارند. مقادیر X^2=۱۶/۹۷ و Sig=۰/۰۰۹ بیانگر وجود رابطه معنی‌دار میان میزان تمایل پاسخگویان به حقوق بشر و نوع راهکارهایی که جهت افزایش حقوق بشر شهروندان ایرانی پیشنهاد شده می‌باشد. براساس نتایج موجود در جدول شماره (۶) فرضیه سوم این پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول(۶)- توزیع فراوانی و درصد راهکارهای پیشنهادی جهت افزایش حقوق بشر - اجتماعی برحسب میزان تمایل آنان به حقوق بشر

راهکارهای پیشنهادی پاسخگویان	میزان تمایل به حقوق بشر			کل پاسخگویان
	زیاد	متوسط	کم	
افزایش سطح سواد و آگاهی در تمام زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی	۴۲ ٪۳۰/۶	۳ ٪۱۸/۸	۲۷ ٪۴۴/۲	۷۲ ٪۳۳/۶
افزایش آزادی‌های سیاسی و اجتماعی	۱۲ ٪۸/۸	۰ ۰	۸ ٪۱۳/۱	۲۰ ٪۹/۲
افزایش آگاهی افراد نسبت به حقوق اجتماعی‌اشان و رعایت قانون در جامعه	۵۸ ٪۴۲/۴	۰ ۰	۱۶ ٪۲۶/۲	۷۴ ٪۳۴/۵
افزایش مشارکت عملی و واقعی مردم در اداره جامعه	۲۵ ٪۱۸/۲	۱۳ ٪۸۱/۲	۱۰ ٪۱۶/۴	۴۸ ٪۲۲/۷
جمع	۱۳۷ ٪۱۰۰	۱۶ ٪۱۰۰	۶۱ ٪۱۰۰	۲۱۴ ٪۱۰۰

X^2=۱۶/۹۷۵ df=۶ Sig=۰/۰۰۹

توزیع فراوانی و درصد و شاخص‌های مورد استفاده جهت‌اندازه‌گیری تمایلات و تقیدات دینی پاسخگویان مانند تمایل به ارزش‌های اسلامی، حجاب اسلامی و التزام عملی به فرایض دینی با میزان تمایل آنان به حقوق بشر در جدول شماره (۷) به نمایش گذاشته شده است.

جدول شماره (۷)- توزیع فراوانی و درصد میزان تمایل پاسخگویان به حقوق بشر بر اساس تمایل و تقیدات دینی

میزان تمایل به حقوق بشر	میزان تمایل به حجاب اسلامی			میزان تمایل به ارزش‌های اسلامی			میزان تقید به فرایض اسلامی		
	زیاد	متوسط	کم	زیاد	متوسط	کم	زیاد	متوسط	کم
زیاد	۶۰ ٪۶۰/۶	۵۶ ٪۶۵/۱	۲۱ ٪۷۲/۴	۱۲۶ ٪۶۴/۶	۱۰ ٪۶۲/۵	۱ ٪۳۳/۳	۸۰ ٪۶۴	۴۴ ٪۶۲	۱۳ ٪۷۲/۲
متوسط	۸ ٪۸/۱	۸ ٪۹/۳	۰ ۰	۱۳ ٪۶/۷	۲ ٪۱۲/۵	۱ ٪۳۳/۳	۸ ٪۶/۴	۷ ٪۹/۹	۱ ٪۵/۶
کم	۳۱ ٪۳۱/۳	۲۲ ٪۲۵/۶	۸ ٪۲۷/۶	۵۶ ٪۲۸/۷	۴ ٪۲۵	۱ ٪۳۳/۳	۳۷ ۲۹/۶ ٪	۲۰ ٪۲۸/۲	۴ ٪۲۲/۲
جمع	۹۹ ٪۴۶/۳	۸۶ ٪۴۰/۲	۲۹ ٪۱۳/۵	۱۹۵ ٪۹۱/۱	۱۶ ٪۷/۵	۳ ٪۱/۴	۱۲۵ ۵۸/۴	۷۱ ٪۳۳/۱	۱۸ ٪۸/۵

X^2=۳/۶۶ df=۴ Sig=/۴۵ X^2=۸/۹۵ df=۴ Sig=/۰۴۱ X^2=۱/۳۶۲ df=۴ Sig=۰/۸۵

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌گردد از میان افرادی که تمایل زیاد به حقوق بشر نشان داده‌اند تنها درصد کسانی که در سطح بالای تمایل به ارزش‌های اسلامی قرار دارند از حد مورد انتظار کمی بیشتر است در مقابل از میان افرادی که تمایل کم به حقوق بشر دارند درصد افرادی که تقید زیادی به فرایض دینی دارند از حد مورد انتظار بیشتر است. در مجموع با توجه به نتایج موجود در جدول تنها میان میزان تمایل به ارزش‌های اسلامی و میزان تمایل به حقوق بشر رابطه معنی‌داری مشاهده می‌شود (Sig =۰/۰۴۱ و X^2 =۸/۹۵). به عبارت دیگر افرادی که در سطح بالای تمایل به ارزش‌های اسلامی قرار دارند، تمایل زیادی به حقوق بشر نشان می‌دهند و رابطه‌ای مثبت میان این دو متغیر مشاهده می‌شود. اما میان تمایل افراد به حقوق بشر و میزان تقید آنان به فرایض دینی و تمایل به حجاب اسلامی تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌شود. به عبارت دیگر رابطه‌ای میان تمایل پاسخگویان به حقوق بشر با تقید آنان به فرایض دینی و تمایل به حجاب

اسلامی وجود ندارد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه چهارم این پژوهش تنها در مورد ارزش‌های اسلامی تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر از یک سو به بررسی میزان تمایلات طبقه تحصیل کرده شهری نسبت به حقوق بشر و از سوی دیگر به بررسی رابطه دینداری پاسخگویان با تمایل آنان به حقوق بشر با تأکید بر مقایسه میان زنان و مردان پرداخت. یافته‌های این پژوهش نمایانگر تمایل زیاد پاسخگویان به حقوق بشر می‌باشد که در این میان تمایل به آزادی بیان از جایگاهی ویژه برخوردار است. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند که تمایل زنان پاسخگو به حقوق بشر بیشتر از مردان پاسخگو می‌باشد. در تحلیل این تفاوت در میان زنان و مردان، باید به احساس محرومیت زنان در زندگی اجتماعی و عدم دریافت حقوق قانونی خویش که ناشی از مردسالاری تاریخی حاکم بر جوامع است، توجه نمود. زنان در سراسر جهان، در طول تاریخ همواره از بسیاری از حقوق انسانی خود محروم بوده‌اند بنابراین طبیعی است که بیش از مردان متمایل به حقوق بشر، مساوات و برابری در برخورداری از فرصت‌ها باشند و بر آن بیشتر تأکید نمایند.

تأکید فراوان پاسخگویان بر افزایش آگاهی افراد نسبت به حقوق اجتماعی‌اشان و رعایت قانون در جامعه، به عنوان مهم‌ترین عامل مؤثر بر افزایش حقوق بشر، از دیگر نتایج این مطالعه است. البته شایان ذکر است که تأکید زنان بر رعایت قانون و افزایش آگاهی‌های افراد نسبت به حقوق اجتماعی خویش و مشارکت همه جانبه مردم در اداره جامعه و افزایش آزادی‌های سیاسی و اجتماعی بیشتر از مردان بوده است. تأکید بیشتر زنان بر این ابعاد، به این واقعیات اجتماعی برمی‌گردد که سطح مشارکت زنان در جامعه و همچنین سطح آگاهی آنها نسبت به حقوق اجتماعی خویش در مقایسه با مردان کمتر بوده و همین مسئله موجب تأکید زنان مورد مطالعه، بر افزایش آگاهی‌های افراد نسبت به حقوق خویش و مشارکت اجتماعی آنها گردیده است.

از بین شاخص‌های مختلف دینداری، تنها میان تمایل به ارزش‌های اسلامی و تمایل به حقوق بشر رابطه معنی‌داری مشاهده گردید. این یافته بر همسو بودن ارزش‌های اسلامی و مفاهیم اصلی حقوق بشر تأکید دارد. از آنجا که ارزش‌های اسلامی بر کرامت انسانی تأکید داشته و طیف کاملی از مفاهیم و سمبل‌های بالقوه جهت حمایت از ایجاد آزادی و برابری را در خود دارد لذا به

نظر می‌رسد به همین دلیل، این دو متغیر رابطه‌ای مستقیم با یکدیگر برقرار نموده‌اند.

در نهایت، با توجه به موارد ارائه شده می‌توان گفت هرچند تفاوت‌های اساسی در مبنای مفاهیم حقوق بشر وتعالیم اسلام موجود است اما در عین حال مفاهیم مشترک زیادی مانند برابری، آزادی، احترام به حق مالکیت فردی و ... در تعالیم اسلام و اعلامیه حقوق بشر ارائه شده از سوی سازمان ملل متحد وجود دارد و این برعهده اندیشمندان و علمای مسلمان است که با پژوهش‌های علمی راهکارهای ایجاد یک نظام حقوق بشر کارآ و مبتنی بر تعالیم اسلام را برنامه‌ریزی نمایند. بدیهی است که اجتهاد پویای علمای دین با تأکید بر عناصر زمان و مکان از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تدوین این نظام حقوقی خواهد بود.

یادداشت‌ها

1. Human Rights
2. Iqbal & Iqbal
3. Esposito & Voll

منابع

تامپسون، کنت و دیگران، **دین و ساختار اجتماعی**، ترجمه علی بهرامپور، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱.

دانلی، جک، ***«نظریه‌های حقوق بشری»***، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی در ***حقوق بشر، نظریه‌ها و رویه‌ها***. تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.

سیسک، تیموتی. دی، **اسلام و دموکراسی**، ترجمه شعبانعلی بهرامپور و حسن محدثی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹.

عنایت، حمید،**اندیشه سیاسی در اسلام معاصر**، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۶۷.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۵۸ با اصلاحات سال ۱۳۶۸، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۲.

مصفا، نسرین و ابراهیمی، نبی الله، ***«جایگاه حقوق بشر در نظریه‌های روابط بین الملل»***، ***فصلنامه سیاست***، دوره۳۸، شماره۴، ۱۳۸۷.

Bu. H.W(1998), "Human Rights" in ***The New Encyclopedia Britannica***, Ed: Jacob E. Sofra and others, vol-20.

Esposito, John. L. and Voll. John. O(1996) ***Islam and Democracy***, Oxford University Press. New York.

Iqbal. S.M and Iqbal. S.I.J(1982), ***Ideals of Islam and other Essays***,

Idarah-l Adabteal-1, Delhi.
Plattner. Marc E(1995), "Human Rights" in ***The Encyclopedia of Democracy***, Ed: Seymour Martin Lipsel, Routledge, London, vol- II.
Sing. N.K(1998), ***Social Justice and Human Rights in Islam***, Gyan Publishing House, New Delhi.
Subramanian, S(1997) ***Human Rights, International Challenges***, Mahas Publication, New Delhi.
Watt. William Montgomery(1988), ***Islamic Fundamentalism and Modernity***, Routledge, London.